

فریاد در پاکستان

عظرات خواندنی از زندگی دکتر مرتضیٰ شیخ

ترجمه: محمد خسروی راد
مضامین و تحقیق: محمد عبدالحی

انتشارات عیدگاه - ۱۳۹۵

من پنجاه سال است که دارم اسلام می‌خوانم.
 بگذار خلاصه‌اش را برایت بگویم،
 واجبات را انجام بده،
 به جای مستحبات، تا می‌توانی به کار مردم برس،
 کار مردم را راه بینداز،
 اگر قیامت کسی از تو سوال کرد بگو که:
 فاضل گفته بود.

«از وصایای مرحوم آیت الله العظمی فاضل لنکرانی»

مقدمه

زمانی که باید مقدمه‌ای را در این کتاب می‌نوشتیم، بی‌اختیار یاد جملات بالا افتادم. حس کردم خلاصه، چکیده‌ی وجود و عملکرد و منش مرحوم دکتر مرتضی شیخ، «کار مردم را راه انداختن» و «خدمت به خلق خداست».

نمی‌دانم دکتر شیخ در زمان حیات، شخصاً به چنین درک و دریافتی رسیده بود یا از سوی عالم و حکیمی چنین توصیه‌ای شنیده بود یا از راه مطالعاتی که داشت به چنین باوری دست یافته بود. چندان هم مهم نیست.

ممکن است که خیلی از ما آدم‌ها خیلی از چیزها را بدانیم و بشنویم و بخوانیم اما در عمل به این دانسته‌ها کاهلی کنیم. دانستن، یک بخش ماجر است و عمل، بخش دیگر؛ که قاعدتاً این بخش بسیار مهم و نتیجه‌بخش است.

دکتر از هر طریقی به این درک و شهود رسیده، رسیده باشد؛ مهم آن است که در تمام عمر و همه‌ی آنات زندگی‌اش به این فهم و دانسته عمل کرده. سرتاسر این کتاب نشانه‌های عملی و مصداق‌های عینی «کار مردم را راه‌انداختن» و «خدمت به خلق خداست». با این حساب مطمئنم که آنچه را که باید در مقدمه کتاب می‌آمد، گفتم. می‌ماند خود مطالب کتاب.

راستش بنا به سلیق و علایق شخصی، همواره از زیاده‌گویی و مطالب بسط پرهیز کرده‌ام و کوتاه‌نویسی و خلاصه‌گویی از دغدغه‌هایم بوده. برای همین به معنی کردم خاطرات را در حد ممکن کوتاه و خلاصه بنویسم. این‌طور، هم مطابق سلیقه‌ام کار کرده‌ام و هم روح حاکم بر کتاب به سبب روایت شخص مرحوم دکتر شیخ که آدمی گزیده‌گو و اهل عمل بوده سازگار است.

و در پایان قدردانی از یک درست‌بخش اصلی منابعی که دستمایه‌ی نگارش من در این کتاب بوده، توسط دوست فرهیخته‌ام جناب آقای محمد عبدالهی به انجام رسیده که محصورل تحقیق و مصاحبه‌های میدانی ایشان و همکاران است.

محمد خسروی راد